

تفاوت انتخاب
ترامپ یا هریس برای چین؟

دونالد ترامپ در طول دوران ریاست جمهوری خود در سالهای ۲۰۱۶-۲۰۲۰ از مهارت فرآیندها چین حمایت کرد. لفاظی‌های ضد چینی ترامپ با اقداماتی محدودکننده علیه یکن همراه شد. در واقع اقدام علیه یکن هم توسط قوه مجریه و هم توسط کنگره انجام شد. در دوران ریاست جمهوری جو بایدن، سیاست ضد چین معتدل تر شد اما دامنه آن همچنان گسترش یافت. نتیجه انتخابات ریاست جمهوری پیش رو در آمریکا بر ماهیت سیاست ایالات متحده در قبال چین تأثیری نخواهد داشت. با این حال، پیروزی ترامپ می‌تواند وخامت روابط دو جانبه را تسریع کند. روابط آمریکا و چین پس از جنگ سرد با همکاری گسترده اقتصادی بهبود یافت و به وابستگی متقابل منتهی شد. ماهیت کلی این روابط به رغم هشداری‌های گاه و بیگاه واشنگتن در مورد موضوعاتی مانند حقوق بشر و دریای چین جنوبی، تا حد زیادی مثبت باقی مانده است. چین ضمن حفظ حاکمیت خود و ممانعت از نفوذ آمریکا در فرآیندهای سیاسی داخلی خود، در مدل آمریکایی جهانی سازی ادغام شده است. رشد اقتصادی چین توانایی‌های این کشور در عرصه فن‌آوری، صنعتی و نظامی را تقویت و در نتیجه آمریکا را با چالش‌هایی مواجه کرده است. در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ تغییر مشهود در سیاست آمریکا در قبال چین ایجاد شد. در دولت اوباما، روابط با چین با چالش‌هایی از جمله امنیتی یک فرمان اجرایی برای اعمال تحریم‌های مرتبط با حملات سایبری مواجه شد. این رویکرد در دوران ترامپ در دو سطح دکترین و سیاست عملی تغییر کرد. در دکترین جدید، بر چین به عنوان یک رژیم استبدادی تمرکز شد که برای آمریکا چالش‌های اقتصادی و فناوری ایجاد می‌کند. این شامل نگرانی در مورد پروژه‌های چین در خارج از این کشور و نیز پیشرفت‌های چین در عرصه فن‌آوری بود. دولت ترامپ بر شیوه‌های تجاری ناعادانه، رشد فناوری و استفاده نظامی و سیاسی چین از فن‌آوری تأکید کرد. اقدامات عملی شامل محدودیت‌هایی برای شرکت‌هایی مانند هواوی، ممنوعیت سرویس‌های ارتباطی چینی وی‌چت و تیک‌تاک و تحریم‌هایی بود که مقامات چینی را هدف قرار می‌داد. دولت ترامپ همچنین به مسائل سین کیانگ و هنگ کنگ پرداخت، جنگ تجاری را آغاز کرد و چین را به سوءمدیریت در همه‌گیری کووید-۱۹ متهم کرد. ترامپ در طول مبارزات انتخاباتی خود در سال ۲۰۲۰ از چین به عنوان سپر بلا و مقصر در تدوین سیاست خارجی خود استفاده کرد. او در انتخابات شکست خورد و پیروزی جو بایدن تا حدودی از شدت این رویکرد کاست. در دولت بایدن تحریم‌های جدید به صورت بسیار محدود اعمال شد، فهرست «شرکت‌های نظامی» به طور فعال تکمیل نشد و احکام ترامپ در مورد وی‌چت و تیک‌تاک لغو شد. با این حال، ساختار حقوقی تحریم‌ها بدون تغییر باقی ماند. وضعیت اضطراری امنیتی در زمینه ارتباطات راه دور بدون اشاره مستقیم به چین به قوت خود باقی ماند. قوانین مربوط به منطقه خودمختار سین کیانگ و هنگ کنگ راه به جایی نبرد. عرضه نیمه‌هادی به غول‌های مخابراتی چین همچنان ممنوع است. ممنوعیت تیک‌تاک در نهایت در یک قانون فدرال گنجانده و توسط رئیس جمهور امضا شد. مقامات آمریکایی از زمان شروع عملیات نظامی مسکو در اوکراین در سال ۲۰۲۲ از تحریم‌های ثانویه علیه شرکت‌های چینی که با روسیه همکاری می‌کنند، به طور فعال استفاده کرده‌اند. به عبارت دیگر، اگرچه دولت بایدن در لفاظی‌های ضد چین بسیار محدودتر بود، لیکن، ساختار فشار تحریم‌ها علیه چین را تغییر نداد و مشکلاتی که تحریم‌ها را به وجود آورد حل نشد. در نهایت، ترامپ و هریس هر دو در صورت پیروزی در انتخابات پیش رو، مسیر مهار چین را ادامه خواهند داد. با این حال، عملکرد ترامپ تهاجمی‌تر و قاطعانه‌تر خواهد بود. کاملاً محتمل است که با افزایش مؤلفه ایدئولوژیک در مهار چین (آمریکای دموکراتیک) در مقابل «چین استبدادی» با گسترش محدودیت‌های مربوط به فن‌آوری، تحریم‌های تجاری علیه افراد و شرکت‌های چینی و بازگشت به جنگ تجاری رویه‌رو شویم. با این حال، همه این اقدامات در مقایسه با دامنه تحریم‌ها و سیاست‌های مهارکننده‌ای که آمریکا در حال حاضر علیه روسیه استفاده می‌کند، کم‌رنگ‌تر است. چین نیز از اولین دوره ریاست جمهوری ترامپ درس‌هایی گرفته است. یکن سازوکارهای سیاست تحریمی خود را توسعه داده است، آنها را با قانونگذاری رسمی کرده و اعمال می‌کند. در مقیاس بزرگ‌تر، چین در تلاش است تا استقلال سیستم‌های فنی و مالی خود را افزایش دهد. با این حال، به نظر می‌رسد نه‌اشنگتن و نه یکن برای شکستن سیستم وابستگی متقابل موجود آماده نیستند. روابط آمریکا و چین به احتمال زیاد در چهار سال آینده شاهد یک دوره رقابت کنترل شده خواهد بود. پیروزی ترامپ کنترل را دشوارتر خواهد کرد، اما ادامه رقابت در دوسوی اقیانوس آرام از بین نخواهد رفت.

هلال بی‌ثباتی
در جنوب اوراسیا

کمربند بحران در پی جنگ اوکراین

کامران بخاری

استاد امنیت بین‌الملل
دانشگاه اوتوا

ترجمه: آریا صدیقی - گاهی اوقات برای اینکه روندهای کلی یک منطقه را درک کنیم باید نگاه جزئی را کنار گذاشته و از بالا به منطقه نگاه کنیم. نگاه کلی به درک روندها بیشتر کمک می‌کند وقتی که از درون بحران به بیرون حرکت می‌کنید و کمی فاصله می‌گیرید بهتر می‌توانید فضای کلی روندها را درک کنید. از این منظر اگر نگاهی کلی به منطقه اوراسیا بیاندازید می‌بینید که این منطقه در ۲ تا ۳ سال گذشته به واسطه جنگ روسیه و اوکراین پرتنش بوده است. شاید حالا بازه زمانی مناسبی باشد که نگاهی به جنوب اوراسیا بیاندازیم؛ چراکه اوراسیا همیشه منطقه مهمی بوده و همیشه مورد توجه قدرت‌های

بزرگ قرار داشته است. به طور مثال زبگنیو برژینسکی، دیپلمات مشهور آمریکایی معتقد بود که اوراسیا قوسی از کشورها را در خودش جا داده که اگر دچار ناامنی شوند، قوسی از بحران را شکل می‌دهند و این بحران این پتانسیل را دارد که به مناطق دیگر مثل آسیای مرکزی، جنوب شرق آسیا و حتی قفقاز هم سرایت کند و حالا به نظر می‌رسد که این قوس بحران تا حدودی در جنوب آسیا در دو دهه گذشته سیر شکل‌گیری خود را طی کرده است. در این منطقه کشورهایی وجود دارند که درگیری‌های داخلی در آنها معمولاً با درگیری‌های منطقه‌ای دچار تلافی می‌شوند و نسبت به گذشته، حالاتعداد بیشتری از کشورهای این منطقه به کمربند بحران نزدیک شده و یا در مرحله بی‌ثباتی هستند و یا در مرحله فروپاشی. این قوس بحران احتمالاً تا اطلاع ثانوی از بین نخواهد رفت و احتمالاً در سال‌های آینده شدت بحران‌ش بیشتر خواهد شد.

بنگلادش

بحران‌هایی که دچار شده خیلی در وضعیت بدی قرار گرفته است و طالبان پاکستان فرصت کرده که فعالیت‌هایش را بیشتر کند. طالبان پاکستان حتی در تلاش است تا در مناطق شمال شرق پاکستان که اکثریت پشتون‌نشین دارد، امارت اسلامی تاسیس کند و این دقیقاً همان چیزی است که طالبان افغانستان را وسوسه می‌کند. بنابراین در صورتی که طالبان افغانستان از طالبان پاکستان حمایت جدی کند، چشم‌انداز درگیری نظامی بین پاکستان و طالبان افغانستان به هیچ وجه دور از ذهن نیست.

سه سال از خروج آمریکایی‌ها از افغانستان گذشته و طالبان سه سال است که بر افغانستان مسلط است. طالبان به عنوان یک گروه بدوی و مسلح همچنان درگیر تثبیت قدرت خود است. با اینکه طالبان امروز نسبت به طالبان بیست سال پیش تغییرات زیادی داشته و سعی می‌کند از یک جنبش شورشی مسلح به یک نهاد حکومتی تبدیل شود اما واقعیت این است که این گروه فرصت‌هایی در مرزهایش با پاکستان می‌بیند که وسوسه‌انگیز است و نمی‌تواند چشمش را روی آنها ببندد. پاکستان به واسطه

میانمار

میانمار را از دست نیروهای مسلح خارج کرده‌اند. چند گروه مبارز قومی که ضد خونتای نظامی و علیه ارتش میانمار فعال هستند در امتداد مرزهای میانمار با چین، تایلند و هند اعلام موجودیت کرده‌اند. با توجه به اینکه در چند ماه اخیر خونتای نظامی میانمار که قدرت را در این کشور در دست دارد، کنترلش را روی بعضی از مناطق میانمار از دست داده بنابراین این احتمال وجود دارد که در آینده با فروپاشی ساختار قدرت در میانمار روبه‌رو شویم.

باید از قسمت شرقی این قوس شروع کنیم؛ اولین کشور در این قسمت میانمار است. سخنگوی ارتش میانمار روز پنجم آگوست اعلام کرد که خونتای نظامی میانمار ارتباطش را با افسر ارشد یکی از ۱۴ مرکز فرماندهی منطقه‌ای خودش از دست داده است. یعنی این ارتباط قطع شده است. این خبر زمانی اعلام شد که دو روز قبل از آن، یعنی روز سوم آگوست، شورشی‌های ارتش اتحاد دموکراتیک اعلام کردند که فرماندهی منطقه شمال شرق

افغانستان

که دچار شده خیلی در وضعیت بدی قرار گرفته است و طالبان پاکستان فرصت کرده که فعالیت‌هایش را بیشتر کند. طالبان پاکستان حتی در تلاش است تا در مناطق شمال شرق پاکستان که اکثریت پشتون‌نشین دارد، امارت اسلامی تاسیس کند و این دقیقاً همان چیزی است که طالبان افغانستان را وسوسه می‌کند. بنابراین در صورتی که طالبان افغانستان از طالبان پاکستان حمایت جدی کند، چشم‌انداز درگیری نظامی بین پاکستان و طالبان افغانستان به هیچ وجه دور از ذهن نیست.

سه سال از خروج آمریکایی‌ها از افغانستان گذشته و طالبان سه سال است که بر افغانستان مسلط است. طالبان به عنوان یک گروه بدوی و مسلح همچنان درگیر تثبیت قدرت خود است. با اینکه طالبان امروز نسبت به طالبان بیست سال پیش تغییرات زیادی داشته و سعی می‌کند از یک جنبش شورشی مسلح به یک نهاد حکومتی تبدیل شود اما واقعیت این است که این گروه فرصت‌هایی در مرزهایش با پاکستان می‌بیند که وسوسه‌انگیز است و نمی‌تواند چشمش را روی آنها ببندد. پاکستان به واسطه بحران‌هایی

سوریه

در سوریه و عراق است. اگر نگاه درازمدت داشته باشیم باید گفت که ایران و ترکیه رقابتی همیشگی بوده‌اند و ایران در درازمدت برای اینکه بتواند جلوی نفوذ ترکیه در جهان عرب بایستد، به عراق و سوریه نیاز دارد و عراق و سوریه هم هر کدام انگیزه‌هایی برای جلوگیری از گسترش نفوذ ترکیه در منطقه شامات دارند. این نقش‌آفرینی که ایران از سوریه انتظار دارد باعث شده که سوریه هم مثل عراق به میدان نبرد بین ایران با اسرائیل و آمریکا تبدیل شود.

هشت سال از زمانی که بشار اسد در نهایت توانست خودش را نجات دهد گذشته و ایران در جنگ داخلی سوریه کمک‌های نظامی و عملیاتی زیادی به سوریه کرده و حالا دولت سوریه از جهانی تحت نفوذ ایران است. از نظر ایران، حفظ سوریه در مدار شبکه مقاومت، نیاز ضروری برای حفظ هلال نفوذی است که ایران توانسته از عراق تا شرق مدیترانه شکل دهد. علاوه بر این سوریه، یک جزء کلیدی در استراتژی ایران برای محاصره اسرائیل است. نکته بعدی مسئله رقابت ایران و ترکیه

لبنان

لبنان به عنوان زادگاه حزب الله، بزرگترین نیروی مسلح مورد حمایت ایران در منطقه، اهمیت زیادی برای ایران دارد. حزب الله لبنان پایگاه اصلی و نقطه محوری برنامه‌های استراتژیک ایران برای منطقه است. نزدیکی لبنان به اسرائیل، باعث افزایش توانایی ایران برای تهدید اسرائیل می‌شود و حزب الله لبنان نقشی کلیدی در برنامه ایران برای ضربه زدن

به اسرائیل ایفا می‌کند. البته باید گفت که اسرائیل این توانایی نظامی را دارد که نه تنها به حزب الله، بلکه به لبنان که درست وسط یک بحران سیاسی-اقتصادی جدی قرار گرفته، آسیب وارد کند و همین مسئله باعث شده تا لبنان هم به لحاظ ثبات سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی در وضعیت نامشخصی قرار بگیرد.

یمن

از سال ۲۰۱۵ و شروع جنگ ائتلاف عربی به رهبری عربستان علیه یمن، حوثی‌ها موفق شده‌اند به عنوان یک گروه غالب و قدرتمند در یمن ظهور کنند. البته حوثی‌ها در دوران بهار عربی هم قدرتی از خودشان نشان داده بودند. جنگ عربستان با یمن باعث شد که ایران ارتباطش را با حوثی‌ها تقویت کند و جای پای محکمی در آن منطقه از جهان برای خودش دست و پا کند. ایران از قبل یک هلال نفوذ در حاشیه

شمالی خاورمیانه داشت و بعد از آن، یمن که در قسمت شمالی خودش با عربستان هم‌مرز است و درست در محل تلاقی دریای سرخ و دریای عرب قرار گرفته، باعث شد که حلقه نفوذ ایران در جهان عرب گسترده‌تر شود. تصمیم حوثی‌ها برای ایجاد اختلال در روند کشتیرانی تجاری در دریای اقیانوس سرخ و حملاتشان به اسرائیل، این احتمال را تقویت می‌کند که احتمالاً در آینده یمن یکی از میدان‌های نبرد در خاورمیانه باشد.